

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و پر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین - هفتم نومبر ۲۰۱۵

خانه از پایبست^۱ ویران است!!!

قابل توجه آقای "دپلوم انجنیر قیس کبیر"

آقای "قیس کبیر" ضمن مقاله ای در سه قسمت، خواسته است کش و فش چوکات "سافت ویری" قاموس خود را به رخ مردم بکشد، غافل ازین که حضرت شیخ شیراز هشت قرن پیش به قوت ولایت متوجه مسأله شده و بیت معروف خود را تقدیم کرده بود، که:

خانه از پایبست ویران است

خواجه در بند نقش ایوان است

آقای "قیس کبیر" اگر مفهوم این بیت را درک نکرد، لطفاً از دو "استاد ادب دری" کمک بخواهد. فقط یک نقل برایشان میدهم، که اگر چشم بصیرت خود را باز بکنند، مصداق عینی این شعر گویا را در دغدغه تهیه به اصطلاح "قاموس کبیر افغانستان" دیده میتوانند!!!

^۱ - "بست" کلمه دری ست و معانی فراوان دارد، مگر آنچه درینجا در "پایبست" به کار رفته است، مد نظر منست. "بست" در زبان ما در معنای "اندام" و "هیکل" و "پیکر" و "جثه" هم زیاد استعمال میگردد؛ چنان که در زبان عوام کابلی "قد و بست" را به کار بندند و مثلاً از روی طنز گویند:

قد و بستش به آدم نیمانه!!!

بیت معروف هزارگی نیز مشعر بر همین معناست، که:

قد و بست لیلی جو

هینه به دست لیلی جو

در اشعار شعرای مشهور سبک هندی هم "بست" را در همین مفهوم بسیار سراغ داریم، از قبیل صائب و طالب و کلیم، که همه متأثر از دری ملک ما بوده اند.

چنان که ملک الشعراء "طالب آملی" ضمن منظومه ای مبسوط و بس زیبا در وصف کابل و بالاحصار حصینش سرود:

ازین سو قلعه پولادبستی

ولی آن سوی باغ دلکشائی

"پولادبست" یعنی "فولادپیکر"

خواننده را به خواندن کل این منظومه ضمن مقاله "کابل در اشعار سه شاعر فارسی" این قلم، دعوت میکنم؛ با این لنک:

[http://www.afgazad.com/Adabi-Farhangi/090809-KM-Kabul-dar-Ashaar-e-Sse-Shaer-e-Farsi-1\[1\].pdf](http://www.afgazad.com/Adabi-Farhangi/090809-KM-Kabul-dar-Ashaar-e-Sse-Shaer-e-Farsi-1[1].pdf)

"پایبست" مراد از "تهداب" است، یعنی آن قسمت پیکره تعمیر که در پای آن قرار دارد.

اما چرا "قیس جان"، که خود را به بارنامه "دپلوم انجنیر" میخواند و این عنوان را مُدام با مُباهات به نمایش میگذارد، این قدر فهم ندارد، تا بداند که "قاموسنگاری" موضوعی ست کاملاً تخصصی و مربوط به اهل فن، و نه کار "ایله جاری و حَشْری"!!! من از اول این نکته را باربار و با صراحت کامل گفته ام و مقالاتم در زمینه همه گواهند. مختصر و مکرر مینگارم، که کسانی شایستگی تدوین "قاموس دری" را دارند، که از مهارتهای خاصی برخوردار باشند؛ از جمله:

- زبان دری را درست آموخته و بر رُموز و باریکیهای آن آگاهی کامل داشته باشند
- بر زبان مکتوب دری تسلط داشته و از نگاه املاء و انشاء هیچ کم و کاست و مشکل نداشته باشند
- از قواعد دستوری زبان دری و عربی آگاهی لازم و تطبیقی داشته باشند
- در لغتشناسی دسترس کافی داشته و اندرین رشته تجربه لازم اندوخته باشند
- از تاریخ ادبیات زبان دری وقوف لازم داشته باشند

و

علاوه از صفات فنی و اهلیت مسلکی بالا، قاموسنگاران باید انسانان "بی تعصب و درستکار و امین و صادق و دقیق" باشند!!!!!!

اعضای تیم دست به کار شما، هیچ کدام - مؤکداً میگویم "هیچ کدام"، به شمول "هاشمیان" و بالخاصه خود شخص "هاشمیان" - این شرایط را برآورده ساخته نمیتوانند!!! با چنین تیم یک کار، نه تنها کار آبرومندی به سر رسیده نمیتواند، بلکه "تشنه لبان" و جویندگان منتظر به بیراهه و راه غلط سوق داده میشوند!!! این قاموس اگر باری به ثمر هم برسد، "غلطنویسی و مغالطه و کجفهمی" را به خلق خدا درس خواهد داد. اعضای این به اصطلاح "تیم کار"، علاوه بر فقدان اهلیت مسلکی و فنی، چیزی به نام "مسئولیت" و "دقت" و "امانتداری" و "عدم تعصب" را نمیشناسند و چنان که باربار به تجربه ثابت شده است قادر نیستند، حتی از یک متن صاف و ساده و راه راست هم، درست نقل نمایند!!!!!!

سه تن از اشخاص پیشنهادی هاشمیان از همان اول پای خود را پس کشیدند، که عبارت بودند از:

- جناب ولی احمد نوری

- جناب سید هاشم سدید

- خلیل الله معروفی

این سه تن به نکوئی درک کرده بودند، که "هاشمیان" با این "تیم کار" ناکارآمد و بیکاره، میخواهد **سر زاغ بودنه بگیرد** و نوری صاحب بزرگوار کاملاً تشخیص درست از این تیم داده فرموده بودند:

ترکائی د بیزو کار نه دی!!!

آقای "قیس کبیر"، که زبان دری را هنوز درست نیاموخته است و یک جمله دری هم نوشته نمیتواند^۲، از همه کس دگر حق کمتر در ابراز نظر دارد، اما میبینیم که همیشه از کلانکاریهای بیجای کار گرفته و سخنان بزرگتر از دهان خود میزند.

آقای دپلوم انجنیر قیس کبیر:

- قاموسنگاری نمایشگاه سافت ویر و "سافت ویربازی" نیست!!!

^۲ - مقالاتی که به نام "قیس کبیر" در پورتال "افغان جرمن آنلاین" نشر میشوند، هیچ کدام نوشته خود او نیست. او به احتمال قوی موضوعات مد نظر را شفاهی و زبانی میگوید و دکته میکند و بعد منشیان مذکر و مؤنث، همه را در قید قلم می آورند!!! آقای قیس کبیر اگر از "بیخبران" نمیشرمد، لاقلاً از خدا و منشیهای خود خجالت بکشد!!!!!!

- "سافت ویر" فقط وسیله ای راحت و مددگار جهت تقدیم "مطلب" است، نه خود "مطلب"!!!!!!
- اما قاموسنگاری رشته خاصی و تخصصی دیگری ست، و در فوق شمه ای از اوصاف یک قاموسنگار را ذکر کردم

- دهن "قاموس دری" را با نام "کبیر" شیرین شیرین مساز!!! چون

- با نام "کبیر" نمیتوانی این کتاب را "کبیر" بسازی!!!

- تسمیه "قاموس کبیر" از بدعتهای قبیح عصر ماست، که به اثر خوشخدمتی "هاشمیان" به انجنیر "قیس کبیر" اختراع گردیده است. البته خوشخدمتی شما کاملاً متقابل است، چون در پاداش نام قاموس پوهاند نگهت را به نفع هاشمیان دور داده و آن را "قاموس نگهت - هاشمیان" نامگذاری کرده ای، و این در ذات خود یک سرقت صریح بر مایملک پوهاند نگهت فقید است!!! ولو که هاشمیان این قاموس را به دری ترجمه هم نماید، هیچ کس حق و اجازه ندارد که ماحصل کارش را به "قاموس نگهت - هاشمیان" مسما بسازد. چرا در عوض "قاموس نگهت" با ترجمه دری از "هاشمیان" نوشته ای؟؟؟ مگر عقلت هیچ قد نمیداد، که در عوض بدعت قبیح دیگر و همتراز بدعت هاشمیانی را در عرصه ادب مرتکب گردیدی؟؟؟

- مطمئن باش و آسوده خاطر، که با چالهای مفتتانه "هاشمیانی" رخنه در وبسایت آزادگان - "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" - و نویسندگان پرصلابت و آزاده آن انداخته نمیتوانی!!!
- من از همان اول همکاری با تیم پیشنهادی هاشمیان را جداً رد کردم، و دلالتش را هم به صراحت گفتم، چرا این قدر خود را به نافهمی و در دیوانگی میزنی، خیره سری میکنی و پیهم میخواستی رشوه کلام بدهی؟؟؟

- تسمیه "قاموس کبیر افغانستان" به هیچ اسم و رسم قابل دفاع و توجیه نیست!!!

- این تسمیه نه تنها توهین به اسم عالیشان "افغانستان" است، که توهین به خود کلمه "کبیر" هم هست!!!

- صفحه "آثار علمی" پورتالت را به نام "حبیبه" مسما ساختی، که نام "مادر بزرگوارت" میباشد، حالا بر "قاموس دری" نام "کبیر" را میگذاری، که نام "پدرت" باشد!!!

- پورتال AGO مال شخصی خودت بود و هست، هر کار که در حقش کردی و میکنی، کردی و بکن؛ اما از نام مقدس "افغانستان" دست بردار، که مربوط به یک ملت سی و پنج ملیونی ست و به حیث "فرد" هرگز و هرگز و هرگز حق نداری این نام را بر سر قاموست بگذاری، ولو که این قاموس از نگاه محتوا واقعاً "کبیر و بزرگ و عظیم و برجسته و براننده" هم بُور شود!!!!!!

- تو بسیار کوچک هستی ازین که بیائی و در مورد لغت و دستور زبان و کارائی آنها قضاوت نمائی!!!

- دریاب که با اختیار کردن نام "کبیر"، هرگز "کبیر و بزرگ" نمیشوی!!!

- بر بزرگان و سالمندان هرگز متاز، که گویا مغزشان گنجایش فهم "توهو" مدرن را ندارد!!!
- گنجایش و سیری ناپذیری در خاموشی ست، اول برو خپ و چپ و دور از انظار "انس و جن" زبان دری را بیاموز و درد سر این و آن مشو، که این مضمونت را بنویسند و آن جمله ات را روی کمپیوتر بریزند. یک زمانی جناب دپلوم انجنیر "کریم عطائی" را ازین بابت "سِل" ساخته بودی، حالا منشیهای بردربر "ماده و نر" را گردت قطار کرده ای و پیوسته از ایشان همی خواهی:

کای فلان صبح بده یا شامم

نان و آبی که خورم و آشامم

و سرانجام، قیس جان کبیر!
این قدر خودنمائی مکن، فضل مفروش و "چمچه مست" هم مباحش!!! از "دیپلوم انجینیر فرید جان
فہیم" بیاموز، کہ با وجود فہم و دانش وسیع و بہ مراتب وسیعتر از تو اندرین عرصہ، چون
"گور" خاموش است، و خاموش خاموش و خاموش اندر خاموش!!!!!!